

# کاوش نجات‌بخشی میدان ارگ تهران

شقایق هورشید

کارشناس ارشد باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی  
shaghayegh\_hourshid@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

## چکیده

کاوش‌های باستان‌شناسی در راستای شناساندن برگی از کتاب تاریخ سرزمین‌مان ایران انجام می‌پذیرد و ضرورت انجام آن علاوه بر شناساندن گذشته در کنار فعالیت‌های عمرانی به‌ویژه در شهرها، جنبه حفظ و نجات‌بخشی نیز پیدا می‌کند. بر این اساس در پاییز ۱۳۹۰ عملیات کاوش نجات‌بخشی به منظور ثبت و ضبط داده‌ها، در ضلع جنوبی مجموعه کاخ‌موزه گلستان (واقع در میدان ارگ) همزمان با فعالیت‌های گسترده عمرانی شهرداری منطقه ۱۲ تهران انجام پذیرفت.

هدف از انجام کاوش مذکور علاوه بر نجات‌بخشی آثار تاریخی، تلاش برای احیای آنها نیز بود. از همین روی بر اساس اسناد و مدارک به‌جای‌مانده از دوره قاجار و بخش‌های نمایان‌شده از پی و سازه‌های تخریب‌شده (در اثر فعالیت عمرانی مذکور)، نخستین گمانه‌ها در ضلع جنوبی میدان ارگ (در محل سابق سردر نقاره‌خانه) ایجاد شد و در ادامه گمانه‌های دیگری در شمال میدان ارگ (در محل سابق سردر اصلی ورودی کاخ گلستان یا درب سعادت) ایجاد شد. در بخش میانی میدان مذکور گمانه‌های ایجاد نشد زیرا پیش از این در بخش شرقی میدان، تلمبه‌خانه‌ای ساخته شده بود و حوض هشت ضلعی وسط میدان نیز تخریب و به جای آن حوض مستطیل‌شکلی ساخته شده بود که در فعالیت‌های عمرانی اخیر مجدداً بازسازی شد. در طول این کاوش، بقایای معماری متعلق به دوره قاجار شامل: بخش‌هایی از پی سردرها، کف‌های آجر و سنگ‌فرش و همچنین مواد فرهنگی متعلق به سده‌های میانی تا معاصر از جمله قطعات سالم و شکسته کاشی، سفال، شیشه، گچبری، و همچنین تعدادی سکه کشف و مستندنگاری شدند.

## واژه‌های کلیدی

کاوش باستان‌شناختی، کاخ موزه گلستان، میدان ارگ، دوره قاجار.

در مهرماه ۱۳۹۰ که در محدوده جنوبی مجموعه کاخ موزه گلستان (میدان ارگ) و در جوار ضلع غربی کاخ در خیابان داور فعالیت‌های گسترده عمرانی توسط شهرداری منطقه ۱۲ برای بهسازی خیابان و معابر در حال انجام بود، بر اثر گودبرداری توسط پیمانکاران شهرداری (برای ساخت تلمبه‌خانه و ساخت دیوار و پایه‌های آجری نگهدارنده لوله بزرگی که تأمین‌کننده آب مورد نیاز بازار تهران است) در ضلع جنوبی میدان ارگ، بقایای پی و دیوارهای قدیمی هم‌چنین تکه‌های کاشی آشکار شد.

در واکنش به این اتفاق و پس از طی مراحل اداری، برنامه نجات‌بخشی و حفظ آثار معماری باقیمانده در ضلع جنوبی میدان و کاوش و مستندنگاری جهت احیای سردر اصلی کاخ در ضلع شمالی میدان ارگ در دستور کار پژوهشکده باستان‌شناسی و معاونت حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت. به این ترتیب با استقرار تیم کاوش و انجام این مهم ابتدا آثار نمایان‌شده خواناسازی و مستندنگاری شد و سپس در ادامه روند کاوش، آثار مهمی کشف شد و مورد ثبت و ضبط قرار گرفت که در این نوشتار به توصیف آنها پرداخته می‌شود.

### جغرافیای تاریخی تهران

از آنجایی که پیشینه تاریخی و احداث ارگ با روند شکل‌گیری تهران در مقام یک شهر درهم آمیخته، ابتدا به مبحث جغرافیای تاریخی تهران می‌پردازیم. تهران که اکنون شهر بزرگ و پرجمعیتی است با قریه‌ای که آقا محمدخان در سال ۱۲۰۰ق به پایتختی برگزید بسیار متفاوت است (سمسار و سرائیان، ۱۳۸۷: ۸). تهران در نخستین سده‌های اولیه هجری، دهی کوچک و کم‌اهمیت در نزدیکی ری بود. به همین سبب جغرافی‌نویسان تا نیمه دوم سده سوم هجری قمری هیچ آگاهی‌ای پیرامون آن نداده‌اند. نخستین

بار نام تهران را در شرح حال محدث نامور محمود بن حماد ابو عبدالله حافظ تهرانی رازی درگذشته به سال ۲۷۱ق در کتاب *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی (وفات ۴۶۳ق) می‌یابیم. آن هم به مناسبت شهرت این محدث نامدار و اگر به نسبت رازی که در پی نام او آمده توجه کنیم، درمی‌یابیم که تهران خود به تنهایی شهرتی نداشته است. از آن پس نام تهران را به طور پراکنده در اسناد تاریخی معتبری همچون *المسالك و الممالک* اثر ابواسحق استخری می‌توان دید که وی آن را در سال ۳۴۰ق نگاهشته و به تفصیل از این قریه سخن گفته است.

پس از استخری مورخان معتبری مانند یاقوت حموی، حمدالله مستوفی، محمد قزوینی و ابن حوقل هر یک درباره تهران به تفصیل سخن گفته‌اند و آنچه که تذکرش ضروری است این نکته است که عموم این مورخان و تذکره‌نویسان متفق‌القول بوده‌اند که «تهران قریه بزرگی واقع در شمال ری بوده و آنجا دارای باغ‌های فراوان و میوه آن بسیار و متنوع و آثار آن معروف بوده است و مردم قریه بیش‌تر اوقات در زیر زمین زندگی می‌کرده‌اند». از قرار معلوم قبل از حمله مغول به شهر ری، تهران یکی از مناطق بیلاقی شهر ری بوده ولی با حمله مغولان، گروه کثیری از مردم این شهر به تهران که دارای سرداب‌ها و زیرزمین‌های متعدد بوده (و پناهگاهی مناسب به شمار می‌رفت) پناهنده شدند و به این کیفیت تهران نخستین گام را در راه توسعه و گسترش خود برداشت (نجمی، ۲۵۳۵: ۱۳-۱۵؛ سمسار و سرائیان، ۱۳۸۷: ۹).

در سده هفتم هجری هم‌چنان‌که ری به طور روزافزونی رو به ویرانی می‌رفت، تهران آهسته و آرام رو به آبادانی و گسترش نهاد. در نیمه دوم سده دهم هجری، این ده کوچک اما سرسبز مورد توجه شاه تهماسب صفوی (حک ۹۳۰-۹۸۴ق) قرار گرفت. به نحوی که در سفرهای کوتاهی که برای زیارت مقبره شاه عبدالعظیم و سیدحمزه

(ع) به شهر ری می‌کرد، سرسبزی و خرمی تهران علاقه شاه را به خود جلب کرد تا آنجا در سال ۹۶۱ق فرمان داد بارویی با یکصد و چهارده برج به تعداد سوره‌های قرآن به گرد آن بکشند.

در سال ۹۹۸ق شاه عباس در قسمت شمالی شهر، در داخل حصار شاه تهماسبی، چهارباغ و چنارستانی احداث کرد که بعدها دیوار بلندی دور آن کشیدند و عمارات و مقر سلطنتی را در داخل آن ساخته و آن را ارگ نامیدند. در اواخر عهد صفوی تهران گاهی مقر موقتی دربار شاهان صفوی بود. شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) بنایی در این شهر برای خود بنا نهاد. در همین بنا بود که شاه سلطان حسین در آخرین سال سلطنت خود دژی افندی، سفیر دولت عثمانی را به حضور پذیرفت.

پس از برافتادن صفویان در فتنه افغان، تهران نیز به دست افغان‌ها افتاد. افغان‌ها بنا بر عادت خود که همواره برای گریز، راه فراری به خارج از شهر پیش‌بینی می‌کردند، پس از استقرار در ارگ تهران، روی خندق شمال ارگ پلی بسته و در جلو آن دروازه‌ای به نام دروازه ارگ بنا نهادند که بعدها دروازه دولت نامیده شد. پس از شکست افغان‌ها به دست نادرشاه افشار در مهماندوست، افغان‌های ساکن تهران، شهر را غارت کردند و جمع بسیاری از مردم تهران را کشتند به اصفهان گریختند. در دوره پادشاهی نادرشاه، تهران مورد توجه نبود اما در کشمکش‌های پس از او و جنگ‌های کریم‌خان زند و سران ایل قاجار، تهران یک بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. محمدحسن‌خان قاجار پس از آنکه در جنگ با کریم‌خان در شیراز شکست خورد در راه فرار به استرآباد در سال ۱۱۷۱ق وارد تهران شد. کریم‌خان زند در پی او از شیراز به تهران آمد و تهران را مرکز سپاه خود قرار داد و شیخ علی‌خان زند، سردار نامی خود را مأمور گرفتن محمدحسن‌خان قاجار کرد. سرانجام محمدحسن‌خان قاجار سرکوب و کشته شد و کریم‌خان

زند در تهران جلوس کرد. وی بر آن بود که تهران را به پایتختی برگزیند. با همین نیت به دستور او در فاصله سال-های ۱۱۷۲ و ۱۱۷۳ق چند بنای مهم در محوطه ارگ احداث شد و خندقی عمیق در دروازه ارگ حفر شد (ذکا، ۱۳۴۹: ۸).

کریم‌خان‌زند در سال ۱۱۷۶ق از اندیشه پایتخت قرار دادن تهران منصرف شد و به شیراز بازگشت. پس از مرگ کریم‌خان زند، تهران در سال ۱۱۹۹ق به تصرف آقا محمدخان قاجار درآمد. وی در سال ۱۲۰۰ق در آنجا به تخت نشست و این شهر را به پایتختی برگزید و نام دارالخلافه بر آن نهاد. پادشاهی کوتاه‌مدت آقا محمدخان بیش‌تر به جنگ و ستیز گذشت و در زمان او دگرگونی مهمی در شهر تهران پدید نیامد. در دوره او فقط در داخل ارگ به ساختن عمارت خروجی پرداخته شد که بنای آن در سال ۱۲۱۶ق به پایان رسید و دگرگونی‌هایی در ایوان دارالاماره پدید آوردند با مصالحی که از ویران ساختن قصر وکیل در شیراز به دست آمده و به تهران حمل شده بود.

تهران به روزگار فتح‌علی‌شاه قاجار رو به گسترش نهاد و بناهای تازه در آن ایجاد شد که از آن جمله اند: قصر قاجار، مسجد سلطانی، کاخ نگارستان، قصر لاله‌زار، و بناهای دیگر. در سال ۱۲۲۲ق عمارات تهران غالباً با خشت خام بنا شده بودند و شباهتی به ابنیه عالیه نداشتند. تنها بنایی که قابل ملاحظه و تعریف بود، مسجد شاه بود که در آن زمان ناتمام بود و غیر از این مسجد شش مسجد کوچک در تهران وجود داشت که قابل ذکر نیستند و در این شهر بیش‌تر از سه یا چهار مدرسه بزرگ وجود نداشت.

در زمان محمدشاه قاجار نهری از رود کرج به تهران کشیده شد و محله‌ها و بناهای تازه در تهران ساخته شد. از آن جمله محله‌های محمدیه و عباس‌آباد در جنوب غرب

تهران آن روز و دروازه نو یا دروازه محمدیه و قصر محمدیه و عباسیه که امروز از این دو بنا اثری برجای نیست. در دوره فتحعلی شاه و محمدشاه این توسعه و آبادانی همچنان ادامه یافت و بر رونق شهر بیش از پیش افزوده شد ولی تغییر قیافه اساسی شهر در دوره سلطنت پنجاهساله ناصرالدین شاه صورت گرفت (نقشه ۱).

به این ترتیب نیمه دوم سده سیزدهم هجری دوره توسعه و گسترش تهران چه از نظر افزایش ساکنان و چه از جنبه گسترش شهر به شمار می آید (ذکا، ۱۳۴۹: ۹-۲۲).

### پیشینه تاریخی ارگ تهران

همانطور که پیش از این ذکر شد، پیشینه بنای ارگ تهران که با روند توسعه شهر تهران عجین بوده به دوره صفویه بازمی گردد و موقعیت آن در شمال تهران قدیم در داخل حصار شاه تهماسبی بوده است و خود حصاری جداگانه داشته و خندقی آن را از شهر جدا می ساخته است. در فاصله بین خندق و ورودی ارگ، میدانی قرار داشت که این میدان نخستین قسمت از ارگ سلطنتی قدیم بود که از شهر به آن وارد می شدند؛ میدان وسیعی از عهد زندیه که در زمان فتحعلی شاه به آن میدان ارگ و بعدها میدان شاه و میدان توپخانه و بالاخره باغ گلشن می گفتند و اکنون نیز میدان ارگ نام دارد.

چون میدان ارگ صحرایی بی نظم و ترتیب و پر از گرد و غبار بود و در مدخل عمارات سلطنتی، محل بسیار نامناسبی را تشکیل می داد، از این رو در عهد سلطنت محمدشاه مختصر تغییراتی در وضع آن ایجاد شد. به نحوی که در دورادور آن حجره هایی برای توپچیان ساخلو تهران ساخته شد.

در سال ۱۲۶۷ق در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، زمانی که به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر، ارگ سلطنتی را تعمیر می کردند، میدان ارگ را نیز تجدید عمارت کرده آن

را «میدان توپخانه» نامیدند و در سال ۱۲۷۱ق مجدداً حجره های توپچی ها را مرمت کرده با ایجاد انبار فراشخانه در محوطه آن در آبادی و نظم آن کوشیدند. ولی چون اصولاً میدان مزبور تنها گذرگاه مردم و چارپایان از شهر به داخل ارگ سلطنتی و قسمت های شمالی تر آن بود، به علت سنگفرش نبودن و وجود توپ ها و توپچیان، محل پرمشغله و ناپاکیزه ای را در مدخل کاخ های سلطنتی تشکیل می داد.

در حدود سال ۱۲۷۵ق علاوه بر عمارات سلطنتی از جمله حرم خانه و تخت مرمر، خزانه، عمارات دولتی، دارالفنون، میدان ارگ، دفترخانه، انبار، اصطبل توپخانه و اصطبل کالسگه خانه سلطنتی، دیوانخانه عدالت، انبار غله خالصه، مدرسه مهد علیا و مجمع الصنایع، حتی محل سفارتخانه روس و خانه وزیر مختار دولت روسیه (بعد از قتل گریبایدوف) و خانه عده ای از رجال و درباریان نیز در داخل حصار ارگ بود، ولی بعدها از جمله در سال های ۱۲۸۰ و ۱۲۹۳ق تغییراتی در وضع داخله ارگ داده شد. در سال ۱۲۸۱ق به دستور ناصرالدین شاه در صدد اقدام اساسی برای نظیف و زیبایي میدان برآمدند. با انتقال دادن توپ ها و توپچیان به میدان توپخانه جدید که در شمال ارگ سلطنتی احداث کرده بودند (میدان سپه سابق) در وسط میدان حوض هشت ضلعی بسیار بزرگی ساختند و (تصویر ۱) آب قنات جدید ناصری و آب سایر قنات هایی را که در کاخ های سلطنتی آفتابی می شدند، با شترگلو از وسط این حوض بیرون آورده از آنجا به حوض سبزه میدان و از آنجا به محله های تهران قدیم که در جنوب ارگ قرار داشتند جاری ساختند. سپس در دور حوض دو جاده سنگفرش درشکه و کالسگه رو ساخته بقیه میدان را باغچه بندی کرده با درخت های سرو، کاج، میوه، و گل های ایرانی و فرنگی به طرز جدیدی آراستند و ضمناً دور باغچه ها را نیز با نصب پایه و ستون های سنگی در فواصل

معین با حجره‌های چوبی محصور ساختند و میدان خاکی و ناپاکیزه سابق را به صورت دو محوطه سرسبز و باصفا درآوردند و آن را «باغ گلشن» نامیدند که معمولاً مردم به آن «باغ میدان» می‌گفتند.

در اطراف میدان ارگ (باغ میدان) چندین سردر و عمارت وجود داشت که اهم آنها عبارت بود از: سردر نقاره‌خانه، عمارت تلگرافخانه، عمارت دفترخانه یا عمارت سردر بزرگ، عمارت دفتر استیفا، و گرمخانه.

سردر نقاره‌خانه که در محاذات سردر بزرگ حیاط تخت مرمر متصل به حصار جنوبی ارگ ساخته شده بود، دروازه‌ای داشت که ارتباط بین شهر و ارگ سلطنتی را برقرار می‌ساخت (تصویر ۲). در دو طرف آن اتاق‌های فوقانی و تحتانی قرار گرفته بود که قراولان ارگ و سربازان کشیک در آنجا ساکن بودند و بعدها «دوستاق‌خانه» یا زندان نیز در این محل تعیین شد. این دروازه شب‌ها پس از به صدا درآمدن شیپور ارگ بسته می‌شد و سربازان تا صبح از آن مواظبت می‌کردند و بالای دروازه ارگ، اطاق بی در و پنجره‌ای وجود داشت که همه‌روزه چندین بار در آنجا نقاره‌چیان<sup>۱</sup> شاه‌ی طبل، بوق، کرنای، گورگه و نقاره‌های خود را به صدا درمی‌آوردند و سنت دیرین سلطنتی ایران را اجرا می‌کردند.

در شمال میدان در گوشه شرقی که عمارت دفترخانه قرار گرفته بود، سردر بزرگی بود که به آن «درب سعادت» یا «عالی‌قاپو» می‌گفتند. این سردر در وسط ضلع شمالی میدان و در تقارن سردر نقاره‌خانه قرار داشت (تصاویر ۱ و ۲).

اساس ساختمان سردر بزرگ از زمان فتحعلی‌شاه بود که در سال‌های بعد تغییراتی در آن داده بودند ولی شکل اصلی بنا تقریباً محفوظ مانده بود. آخرین تغییر و تبدیلی که در آن داده شد در سال ۱۳۰۱ق به مباشرت آقا علی‌امین‌حضور وزیر بناهای آن زمان بود.

این بنای باشکوه در طبقه زیرین دارای طاق و طاقنماهای بزرگ و کوچکی بود که بالای آنها مقرنس‌کاری شده و اطراف لچکی طاق‌های آن با کاشی‌های الوان تزیین شده بود. در طبقه بالا روی هشتی، دالان و اطاق‌های زیرین تالاری وسیع و اطاق‌های گوشواره قرار گرفته بود که با ارسی و پنجره‌های مشبک و گچ‌بری‌های زیبا آرایش یافته بود. در پایین دربانان و قراولان سلطنتی و در اطاق‌های بالا اعضای دفترخانه دولتی ساکن بودند.

دیوار پشت سردر «درب سعادت» در سمت حیاط تخت مرمر با کاشی‌های رنگین منقوش به صحنه پیکار رستم و دیو سفید تزیین شده بود (تصویر ۳). در سال ۱۳۰۹ش هنگامی که سردر را منهدم ساختند تا میدان را جهت عبور و مرور ماشین‌های مهمانان دولتی به کاخ گلستان آماده سازند، اداره بیوتات سلطنتی، این کاشی‌ها را نگهداری کرد و در سال ۱۳۱۴ش هنگام ساخت ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) آنها را در بالای دیوار مدخل ورزشگاه مزبور کار گذاشتند و در سال‌های اخیر که آن بنا را نیز به شکل دیگری درآوردند، همان کاشی‌ها را در دیوار داخلی سرسرای جایگاه مخصوص نصب کردند. این کاشی‌ها دارای رقم محمدعلی شیرازی و تاریخ ۱۲۷۳ق است (ذکا، ۱۳۴۹: ۱۹-۳۸). اکنون با مروری بر تاریخچه شهر تهران و میدان ارگ به شرح یافته‌های حاصل از کاوش (نجات‌بخشی) این میدان تاریخی پرداخته می‌شود.

#### یافته‌های کاوش باستان‌شناختی

همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، در جریان عملیات گودبرداری ضلع جنوبی میدان ارگ، بخش‌هایی از پی و دیوارهای قدیمی در جنوب میدان مذکور تخریب شد. از این رو کاوش نجات‌بخشی آثار باقیمانده و احیای سردرهای فاجاری تخریب‌شده (در دوره پهلوی) در دستور کار قرار گرفت که به شناسایی آثار معماری، کاشی، سفال،

اشیای فلزی و سکه، شیشه، و قطعات گچبری منجر شد. در ادامه به شرح هر یک از آثار یافت شده پرداخته می‌شود.

### آثار معماری شناسایی شده در جنوب و شمال میدان ارگ

در طول برنامه کاوش در مجموع شش گمانه ایجاد شد. دو گمانه در جنوب میدان ارگ و در جوار محل گودبرداری- شده و چهار گمانه در بخش شمالی میدان ارگ برای نمایان ساختن بقایای سردر اصلی کاخ تعیین شد (تصویر ۴).

در دو گمانه ضلع جنوبی، بخش‌های باقیمانده از دیوار مربوط به سردر نقاره‌خانه، شامل بخشی از جرز قطوری با آجرهای قرمز به ابعاد  $۲۲ \times ۱۰ \times ۴/۵$ ،  $۲۲ \times ۲۰ \times ۳/۵$  و  $۲۲ \times ۱۰ \times ۵/۵$ ،  $۲۲ \times ۲۲ \times ۴/۵$  سانتی‌متر و ملات گچ که  $۲/۱۶$  متر از ارتفاع آن متشکل از  $۳۷$  رج آجر قرمز رنگ باقیمانده بود و همچنین بخش‌هایی از کف آجرفرشی که در زیر سطح خیابان ۱۵ خرداد ادامه دارد و در واقع محوطه جنوبی جرزهای نمایان شده را تشکیل می‌دهد، شناسایی شد (تصویر ۵ و طرح ۱). از سازه‌های دیگر موجود در این بخش می‌توان به کف سنگ‌فرش و همچنین بخشی از تنبوشه سفالی که با شیب شمال به جنوب قرار دارد و همان‌طور که در پیشینه ارگ ذکر شده است آب قنات ناصری و قنات‌های دیگر را به سمت جنوب تهران انتقال می‌داده، اشاره کرد. همچنین بخشی از یک طاق آجری هلالی (در نمای دیواره شمالی محل گودبرداری شده) که به نظر می‌رسد متعلق به یک آب‌انبار بوده و اکنون در اثر تخریبات فقط یک نما از آن باقی مانده است (تصویر ۶ و طرح ۲) در این بخش دیده شد. آثار معماری ضلع شمالی نیز با مصالحی مشابه آثار ضلع جنوبی میدان ساخته شده است و شامل پی و دیوارهای آجری، کف‌های سنگ‌فرش، گچی و آجرفرش مربوط به پی و محوطه مقابل سردر

اصلی کاخ گلستان موسوم به درب سعادت است (تصویر ۷ و طرح ۳).

### مواد فرهنگی حاصل از کاوش

مواد فرهنگی به دست آمده از کاوش شامل سفال، کاشی، آجر تزیینی، شیشه، قطعات فلزی و سکه، اشیای سنگی و همچنین قطعات گچبری بود که به ترتیب به اختصار به شرح هر یک پرداخته می‌شود.

**سفال:** در مجموع ۸۶۵ قطعه سفال شامل قطعات سفال‌های بی‌لعب نخودی، نارنجی و قرمز ساده و قطعات لعابدار شامل چینی وارداتی، سفید و آبی، اسگرافیاتو، یکرنگ سفید، یکرنگ فیروزه‌ای، یکرنگ قهوه‌ای، یکرنگ سبز، کوباجی، نقش برجسته، لعاب پاشیده، نقاشی زیر لعاب، قلم‌مشکی، قالب‌زده، یکرنگ مشکی، یکرنگ سرمه‌ای، و یکرنگ لاجوردی به دست آمد. نقش‌مایه‌های سفال‌ها عموماً هندسی، گیاهی، و جانوری است. سفال‌های مذکور متعلق به سده‌های میانی اسلامی تا دوره قاجار است (تصویر ۸ و طرح ۴).

**کاشی:** در مجموع ۱۷۸ قطعه کاشی یافت شد که از این تعداد دو قطعه کامل (به ابعاد  $۲۰ \times ۲۰ \times ۳$  سانتی‌متر) بود و بقیه قطعات شکسته بودند. لعاب کاشی‌ها به رنگ‌های سیاه، زرد، لاجوردی، قهوه‌ای، سبز، نارنجی، سفید، و آبی است و دارای نقوش هندسی، گیاهی، جانوری (پرنده)، و کتیبه است. این دو کاشی متعلق به بخشی از یک کتیبه هستند که بر روی یکی از آنها حرف «ی» قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد کتیبه به خط نستعلیق نوشته شده است. در قسمت پشت هر دو کاشی دو برآمدگی وجود دارد که سبب ایستایی بهتر آنها در داخل ملات می‌شود (تصویر ۹).

آجر تزیینی: در مجموع ۷۴ قطعه آجر تزیینی در اشکال پیش‌بر، مکعب، مکعب مستطیل، و پلکانی به صورت سالم و شکسته یافت شد (تصویر ۱۰).

شیشه: در مجموع ۱۳۹ قطعه شیشه به دست آمد که تعدادی از آنها مربوط به ظروفی همچون بشقاب، کاسه، استکان و بطری به رنگ‌های سفید، سبز روشن تا تیره، لاجوردی، و نارنجی بودند (تصویر ۱۱).

قطعات فلزی و سکه: در مجموع چهل قطعه فلز با کارآیی‌های مختلف به دست آمد که به شدت اکسید شده بودند. هم‌چنین هشت عدد سکه (فلوس) یافت شد که در روی پنج عدد از آنها عبارت «فلوس رایج ممالک محروسه ایران» و در پشت‌شان نقش شیر و خورشید و خوشه گندم و تاریخ ۱۲۷۲ ق ضرب شده است. روی یکی از این فلوس‌ها هیچ نوشته‌ای دیده نشد. دو سکه دیگر نیز پنج-دیناری متعلق به دوره پهلوی اول هستند (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

اشیای سنگی: در مجموع دو شی سنگی شامل یک قطعه سرقلیان و یک ازاره سنگی یافت شد.

قطعات گچبری: در مجموع هشت قطعه گچبری شامل یک نیم‌ستون با طرح مارپیچی و هفت قطعه منقوش مشابه گچبری‌های عمارت شمس‌العماره به دست آمد. در اینجا با توجه به توضیحات داده‌شده به جمع‌بندی یافته‌های حاصل از کاوش پرداخته می‌شود (تصویر ۱۴).

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، مجموعاً شش گمانه در میدان ارگ ایجاد شد که تعیین محل آنها بر پایه چهار عامل بود:

۱. وجود دو سردر قدیمی متعلق به دوره قاجار بر اساس مدارک مکتوب، شامل سردر اصلی کاخ (درب

سعادت) در ضلع شمالی و سردر نقاره‌خانه در ضلع جنوبی که در دوره پهلوی تخریب شده اند؛

۲. نمایان شدن بقایای بخشی از سر در جنوبی (نقاره-خانه) در اثر تخریب‌ها؛

۳. ثبت و ضبط دقیق داده‌ها برای احیا و بازسازی هر دو سردر؛

۴. و در صورت موافقت با انجام مورد ۳، جلوگیری از گسترش تخریب‌های رخ‌داده در ضلع جنوبی میدان و در صورت استمرار پروژه شهرداری، جلوگیری از وقوع تخریب‌های دیگر در ضلع شمالی میدان ارگ.

حال با توجه به شرح وضعیت عملیات کاوش، به تجزیه و تحلیل داده‌ها و آثار حاصل از کاوش پرداخته می‌شود. بر اساس اسناد و تصاویر به‌جای‌مانده از دوره قاجار به‌ویژه عهد ناصری و آثار شناسایی‌شده شامل ساختارها و تزیینات وابسته به معماری همچون کاشی، گچبری، و آجر - که در جریان کاوش باستان‌شناسی اخیر ثبت و مستندنگاری شده است - آثار متعلق به دوره قاجار در عمق یک متری کف کنونی میدان قرار دارند. همان‌طور که ذکر شد نکته حائز اهمیت در راستای شناسایی این آثار وجود آنها در عمق یک متری نسبت به سطح میدان و خیابان‌های اطراف کاخ (عرصه کاخ) است که متأسفانه بدون در نظر گرفتن این مهم اقدام به چنین تخریبی بدون توجه به وجود حتمی آثار در بافت تاریخی در عرصه یک کاخ در قلب پایتخت، شده بود. با وجود مسجل بودن وجود آثار تلاش برای نشان دادن بخشی از آنها و جلوگیری از تخریب بیشتر و حد اقل بهره‌گیری از وضعیت موجود برای جلب نظر مقامات ذیربط برای احیای میدان ارگ به‌ویژه بازسازی سردر اصلی کاخ انجام پذیرفت. در کنار آثار معماری که شامل پی سردرها و سنگ‌فرش ناصری و حوض هشت‌ضلعی قاجاری بود، مواد فرهنگی دیگری همچون سفال، کاشی، گچبری، فلز،

شیشه، سنگ، و آجر یافت شد. در مجموع تعداد ۸۶۵ قطعه سفال یافت شد که از این تعداد ۵۱۱ قطعه از نوع سفال بی‌لعب و ۳۵۴ قطعه لعابدار بود. در میان قطعات سفال به‌دست‌آمده چند نمونه شاخص متعلق به قرون ۷ و ۸ هجری و از نوع سفال قلم‌مشکی، لعاب پاشیده و هم-چنین چینی سفید و آبی دوره صفوی است.

علاوه بر سفال، هشت قطعه گچبری که نقوش آنها مشابه با تزیینات گچبری عمارت شمس‌العمارة کاخ گلستان است در ضلع جنوبی میدان ارگ یافت شد که نشانه وجود بقایا و نوع تزیینات به‌کاررفته در ساختمان سردر نقاره‌خانه است. هم‌چنین تعداد ۱۷۸ قطعه کاشی یافت شد که دو قطعه از آنها سالم و متعلق به بخشی از یک کتیبه و ۱۷۶ قطعه شکسته بود. نقوش این کاشی‌ها گیاهی، هندسی، و جانوری است و رنگ‌شان فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، زرد، سبز، قهوه‌ای، مشکی، قرمز و نارنجی. از نوع رنگ-های به‌کاررفته مشابه با کاشی‌های دوره‌های زندیه و قاجار و نقوش آنها که به کاشیکاری مسجد امام (مسجد شاه) و عمارت‌های بادگیر و شمس‌العمارة شباهت داشتند، می‌توان کاشیکاری سردر نقاره‌خانه و سردر اصلی کاخ را حداقل متعلق به دوره‌های زندیه و قاجار دانست.

به علاوه کشف تعدادی سکه در میان ساختارهای معماری ضلع جنوبی میدان (شامل ۵ عدد سکه با تاریخ ضرب ۱۲۷۵ق و دو عدد پنج‌دیناری مربوط به دوره پهلوی اول) مؤید تعلق سازه‌ها حداقل به دوره قاجار است. وجود قطعات ظروف شیشه‌ای با لایه سطحی اکسیدشده در کنار سکه‌های دوره قاجار تعلق آنها را به دوره مذکور دور از تصور نمی‌نماید. از یافته‌های سنگی مهم نیز می‌توان به یک ازاره سنگی یافت‌شده در ضلع شمالی میدان ارگ اشاره کرد که دارای ابعاد و روش ساخت مشابه با ازاره‌های سنگی به‌کاررفته در بناهای دوره قاجار مانند تخت مرمر و عمارت مسعودیه و... است.

دیگر یافته‌های کاوش ۷۴ قطعه آجر تزیینی لعابدار در اشکال مختلف مربع، مستطیل، پیش‌بر، نیم‌استوانه و کنگره‌ای با لعاب‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سبز و سفید است که مشابه آنها نیز در مجموعه عمارت‌های دوره قاجار به‌ویژه در عمارت‌های بادگیر و شمس‌العمارة قابل مشاهده است.

پس از توضیح درباره یافته‌های باستان‌شناختی، لازم است در اینجا درباره وضعیت فعلی میدان و آثار به‌دست-آمده نکاتی ذکر شود. در حال حاضر میدان ارگ با سنگ-فرش‌های جدید پوشانده شده و تلاش‌های انجام‌گرفته و اطلاع‌رسانی به توافق پیمانکار شهرداری برای جلوگیری از تخریب بیش‌تر (با تدابیری مانند عدم استفاده از چکش هیدرولیکی دستی و چکش بیل مکانیکی، کاتر و بیل مکانیکی) منجر شده است. هم‌چنین توافق شده است از ملات در چینش سنگ فرش‌های محوطه مقابل کاخ به مقدار محدود استفاده شود تا در صورت تخصیص بودجه، با برداشت سنگ‌فرش‌ها، کاوش ادامه یابد و در صورت عدم بازسازی آنها در آینده نزدیک، صدمه جدی به آثار موجود در عمق یک متری زیر کف خیابان و محوطه مقابل ورودی کاخ (عرصه آن) نشود.

در پایان با توجه به توضیحات داده‌شده امید است پیش از انجام هرگونه عملیات عمرانی، کارشناسان ذیربط مطلع شوند و قبل از هرگونه همکاری با مسوولان سازمان-ها و نهادهای مختلف، به حفظ مواریث این مرز و بوم همت گمارند. از طرف دیگر با توجه به شناسایی آثار مذکور، لازم است جهت اعتلای وضعیت و موقعیت عمارت‌های موجود در بافت تاریخی شهری مانند تهران بیش از پیش همت گمارده شود.

## سپاس و تشکر

از جناب آقای مهندس علویان صدر، معاون محترم وقت سازمان و جناب آقای دکتر میراسکندری رییس وقت محترم پژوهشکده باستان‌شناسی و هم‌چنین از جناب آقای شریفی مدیر محترم وقت مجموعه کاخ موزه گلستان که مرا در انجام این کاوش یاری کردند سپاسگزاری می‌نمایم. هم‌چنین از سرکار خانم دکتر حمیده چوبک، جناب آقای حسن رضوانی، و جناب آقای علی صدرایی استادان گرامی باستان‌شناسی که با راهنمایی‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ خود همواره یاور من بودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. هم‌چنین از اعضای محترم کاوش آقای پوریا خدیش و خانم خانمرادی متشکر ام.

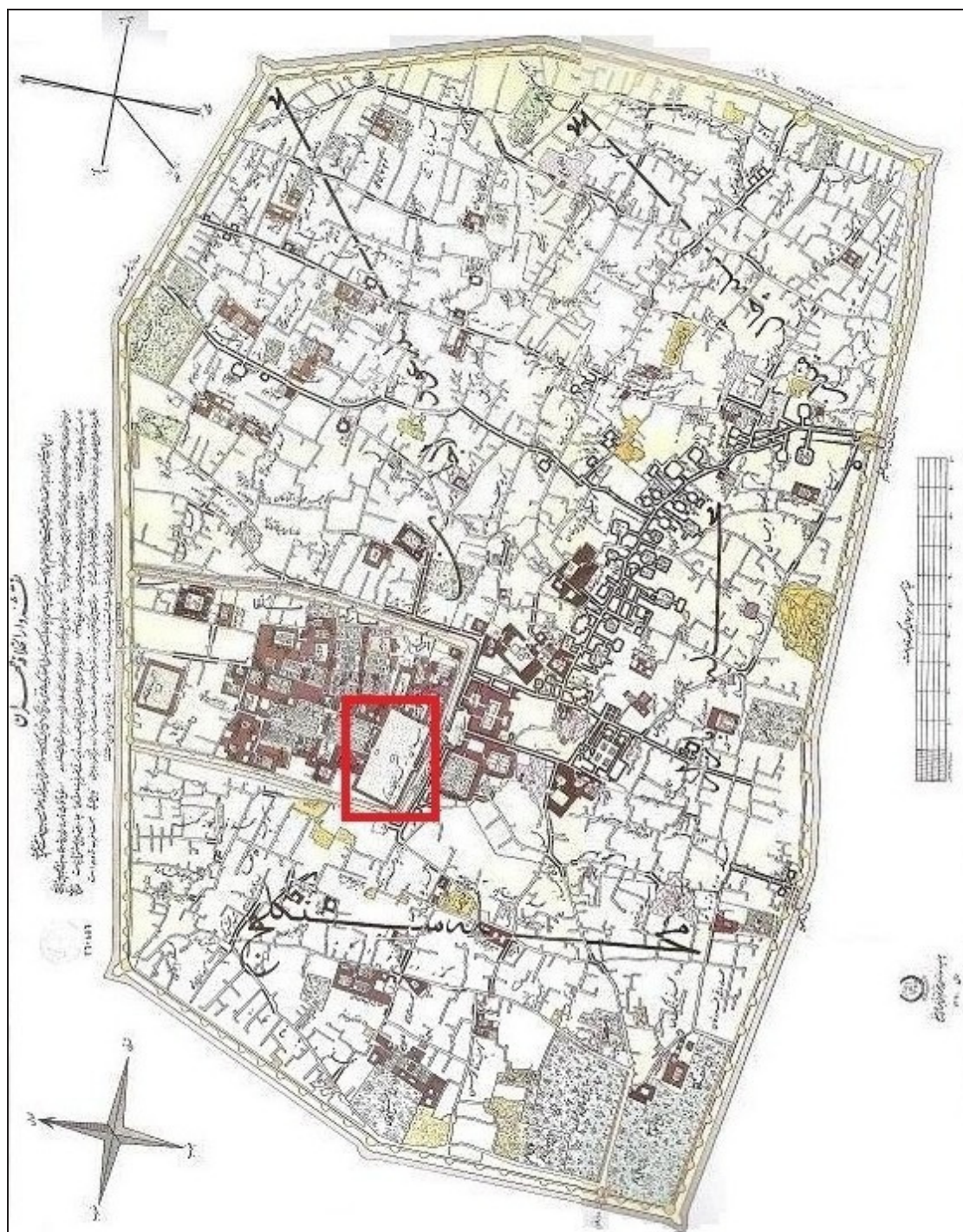
## پانوشت‌ها:

۱. پس از نمایان شدن بخشی از آثار موجود در ضلع جنوبی میدان ارگ و در جوار خیابان ۱۵ خرداد، این موضوع توسط یگان حفاظت مجموعه کاخ موزه گلستان به اداره کل میراث فرهنگی استان تهران اطلاع داده شد و متعاقباً میراث فرهنگی استان نیز پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی را آگاه نمود.
۲. نقاره‌چی‌ها معمولاً کلاهی از پوست سیاه با طاق سرخ که پراق دوزی شده بود و نیم‌تنه‌های ماهوت سرخ با مغزهای مشکی و شلوارهایی به همین رنگ می‌پوشیدند که سردست و یقه نیم‌تنه‌ها از پوست سیاه بود و دگمه‌های برنجی شیر و خورشید داشت. در نقاره-خانه سلطنتی همه‌روزه سه نوبت طبل می‌نواختند، دو نوبت نیز هنگام طلوع و غروب آفتاب نقاره می‌کوبیدند.

چون یک‌ساعت از شب می‌گذشت طبل «خبردار» زده می‌شد و معمولاً طبل هنگام نواختن طبل بدور خود می‌چرخید تا صدای آن به تمام قسمت‌های شهر برسد. دو ساعت از شب رفته طبل «برچین» را می‌زدند که کسبه و دکانداران شروع به برچیدن بساط و بستن دکان-های خود می‌کردند. ساعت سه از شب طبل «بگیر و بند» را زده و شیپور ارگ را می‌کشیدند و درها بسته می‌شد. چون پنج ساعت از شب می‌گذشت جز «گزمه‌ها» و سردمدارها که صدای شان طنین‌انداز بود، دیگر جنبنده‌ای در کوچه و بازار دیده نمی‌شد و اگر کسی به علتی ناچار بود دیروقت به خانه بازگردد، قبلاً به داروغه مراجعه کرده «اسم شب» می‌گرفت و آن تنها علامت و رمز عبور و مرور در شب هنگام و وقت «قرق» بود.

## منابع

- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹)، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، انجمن آثار ملی، تهران.
- ذکاء، یحیی و محمدحسن سمسار و علی خادم (۱۳۶۹)، تهران در تصویر، سروش، تهران.
- ذکاء، یحیی و محمدحسن سمسار و علی خادم (۱۳۶۶)، تهران در تصویر، سازمان میراث فرهنگی کشور، سروش، تهران.
- سمسار، محمدحسن و فاطمه سرائیان (۱۳۸۷)، سیمای تهران در سده ۱۳ هجری قمری (جلد ۱)، معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۵۵)، دارالخلافه تهران، تهران، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۲)، ایران قدیم و تهران قدیم، انتشارات جانزاده، تهران.



نقشه ۱. تهران دوره قاجار ۱۳۷۰ ق. در تصویر میدان ارگ با مربع نشان داده شده است (سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۰).



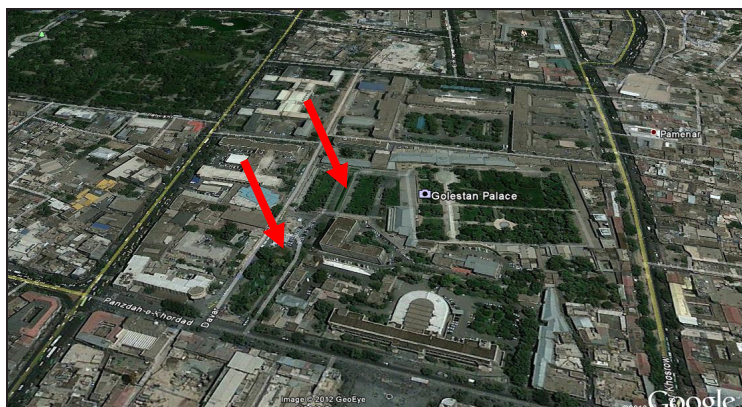
تصویر ۱. نمایی از میدان ارگ، توپ مروارید، حوض هشت ضلعی و سردر ورودی کاخ گلستان در شمال میدان ارگ (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان).



تصویر ۲. نمایی از ضلع جنوبی میدان ارگ، شامل حوض هشت ضلعی و سردر نقاره‌خانه در جنوب میدان ارگ (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان).



تصویر ۳. سردر دیوانخانه تحت مرمر از داخل (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان).



تصویر ۴: محل کاوش در ضلع شمالی و جنوبی میدان ارگ با فلش نشان داده شده است (مأخذ: Google).



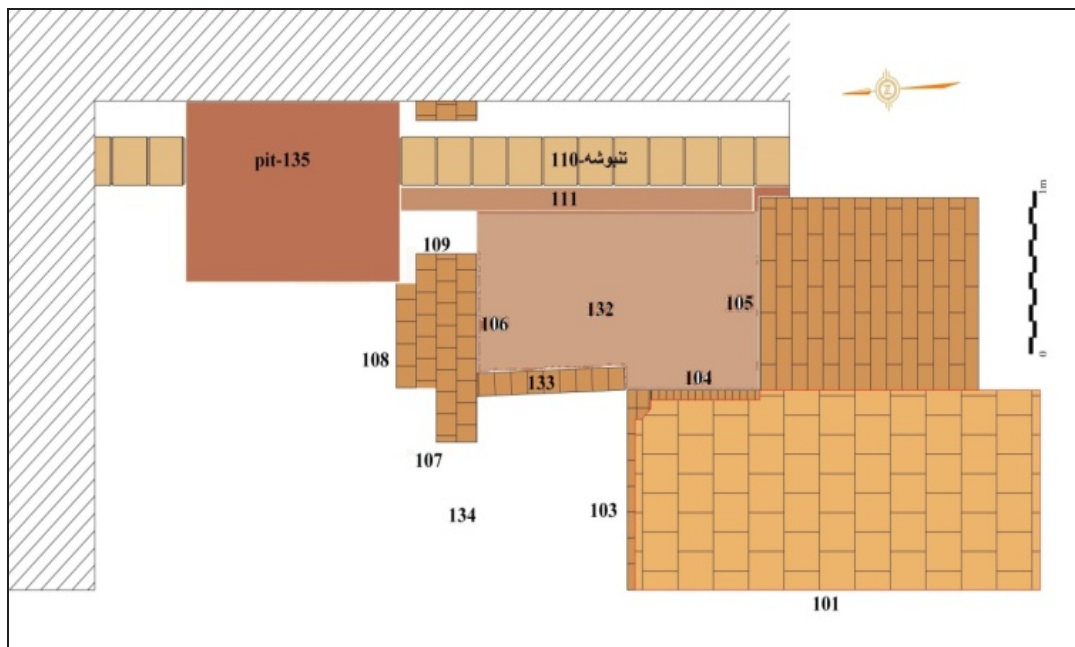
تصویر ۵: نمای کلی از کارگاه ۱، دید از شمال غرب (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۶: نمایی از دیواره آب‌انبار (احتمالاً) (مأخذ: نگارنده).



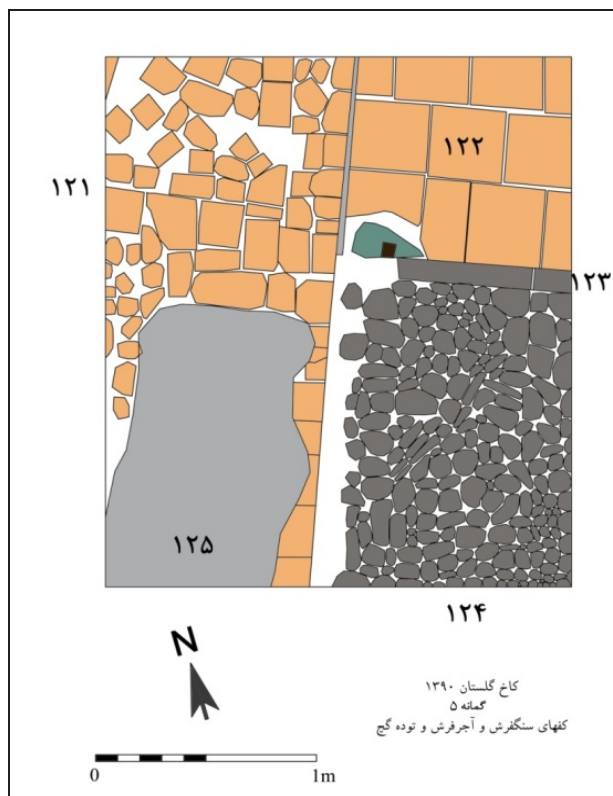
تصویر ۷. ساختارهایی متشکل از کف سنگ‌فرش، آجرفرش و گچ در محل سردر اصلی کاخ گلستان موسوم به درب سعادت (مأخذ: نگارنده).



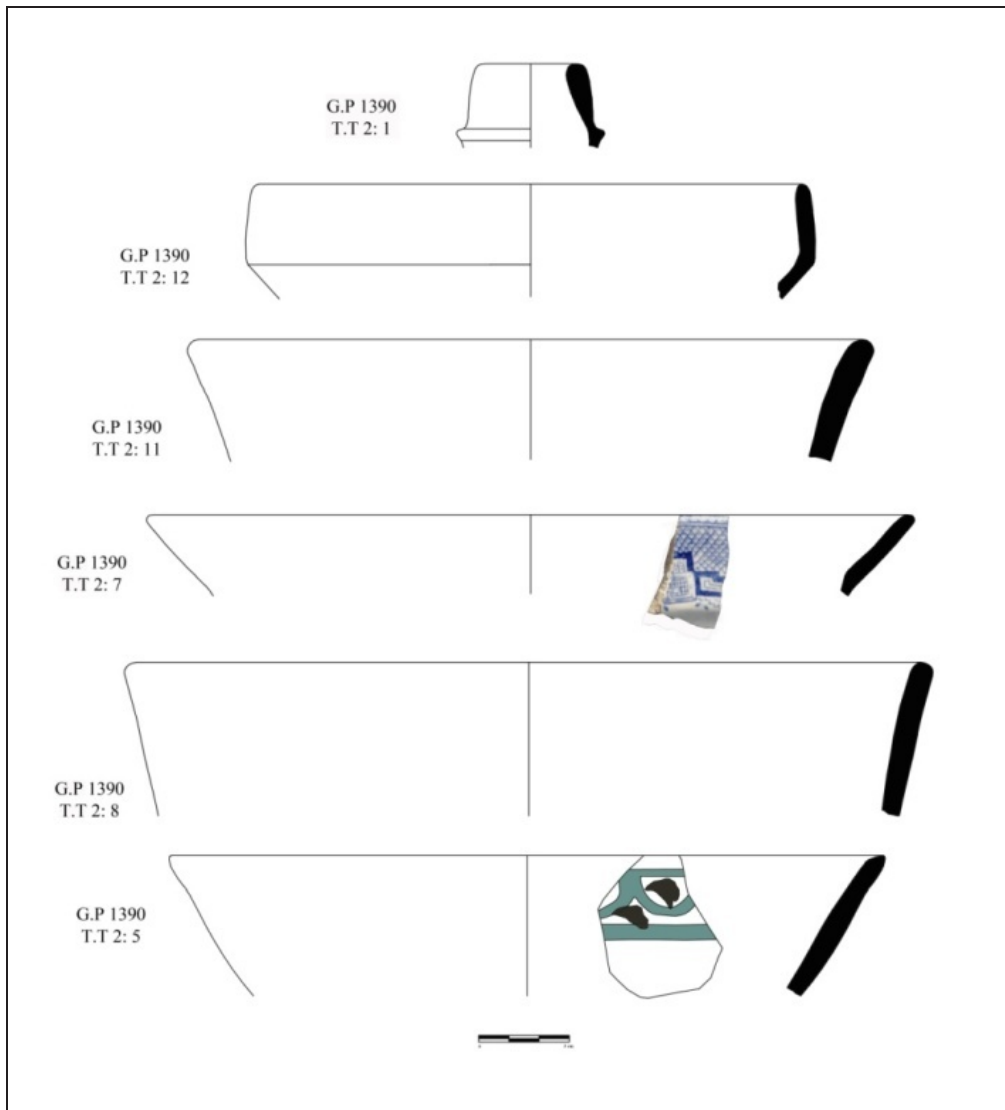
طرح ۱. پلان کلی ساختارهای شناسایی شده در ضلع جنوبی میدان ارگ (ترسیم: پوریا خدیش).



طرح ۲. مقطع دیوار موجود در دیواره شمالی محل گودبرداری شده. (ترسیم: پوریا خدیش).



طرح ۳. پلان کلی ساختارهای شناسایی شده در ضلع شمالی میدان ارگ، محل سابق درب سعادت (ترسیم: نگارنده).



طرح ۴. نمونه‌ای از طرح‌های سفال ساده و منقوش (ترسیم: نگارنده).



تصویر ۹. نمونه کاشی‌های منقوش کاوش میدان ارگ (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۸. نمونه سفال‌های لعابدار منقوش (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۳. نمونه سکه‌های مکشوفه در ضلع جنوبی میدان ارگ  
(مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۰. نمونه آجرهای تزئینی (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۱. نمونه قطعات شیشه‌ای (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۴. نمونه قطعات گچبری (مأخذ: نگارنده).

